

اختلالات

یادگیری

دانش آموزان

دوره‌ی غیرحضوری

کد دوره: ۹۱۴۰۰۵۱۳

طول دوره: ۲۴ ساعت

مقطع و زمینه: ابتدایی

برگزار کنندگان: مرکز برنامه‌ریزی
و آموزش نیروی انسانی
و دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی

پرونده‌ی ضمیمه‌ی
رشد آموزش ابتدایی
شماره‌های ۱ تا ۴
(مهر، آبان، آذر و دی ماه ۱۳۹۱)

آزینا محمودپور

کارشناس اختلالات یادگیری

یکی از اساسی‌ترین مشکلاتی که کودکان با ناتوانی‌های یادگیری با آن روبه‌رو هستند مشکلات خواندن است؛ زیرا کودکی که نمی‌تواند بخواند بخت بسیار کمی برای موفقیت در مدرسه دارد. هم‌چنین صدمه به مراکز از مغز، که کنترل تکلم، شنوایی و بینایی را به‌عهده دارد، نیز می‌تواند نارساخوانی^۱ را به‌وجود آورد. نارساخوانی اصطلاحی است برای معرفی یکی از مشکلات کودکانی که به‌رغم برخورداری از هوش طبیعی قادر به خواندن نیستند. این گروه از کودکان ممکن است واژه‌های بسیاری را بدانند و به‌راحتی آن‌ها را در مکالمه به کار گیرند اما قادر به درک و شناسایی نشانه‌های نوشتنی یا چاپی نیستند.

برخی از این کودکان حتی می‌توانند واژه‌ها را بخوانند، اما مفهوم آن‌ها را نمی‌فهمند. این حالت را در اصطلاح «هیپرلکسی»^۲ می‌نامند. معلمان و مسئولان آموزش و پرورش به علت ناآگاهی از مشکلات ویژه‌ی این گروه از کودکان معمولاً آنان را به عنوان عقب‌ماندگان ذهنی یا کودکان تنبلی برای یادگیری که کوشش نمی‌کنند، می‌شناسند. (نراقی و نادری، ۱۳۷۷).

کودکانی که در خواندن مشکل دارند معمولاً به مسائل تحصیلی بی‌علاقه می‌شوند و به اندازه‌ای از خواندن بی‌بازند که حاضرند به جای خواندن حتی اتاقشان را تمیز کنند (مک نالتی، ۲۰۰۳).

خواندن ادامه‌ی فرایند رشد تکلم و زبان است (فریاری، رخشان، ۱۳۶۹). در واقع، شروع فعالیت خواندن از زمانی آغاز می‌شود که کودک اولین کلمات را برای بیان مقصود خود به کار می‌برد. در این هنگام، با دیدن یا لمس کردن چیزی یا تصویر آن، کلمه یا نماد آن برای کودک تداعی می‌شود. پس از کسب تجربه‌ی کافی در این زمینه و با آغاز سن مدرسه و برخورداری از آموزش‌های لازم، مرحله‌ی ارتباط دادن کلمات یا صداهای آن‌ها با نماد تصویری (کلمات نوشتاری) شروع می‌شود. «در این مرحله، کودک می‌تواند برای هر یک از صداهایی که در زبان محیطی موجود است، یک نشانه یا نماد تصویری را جای‌گزین کند و پس از آن نمادها را با یکدیگر ترکیب کرده و کلمه و جمله را بخواند. در این حالت نماد نوشتاری جایگزین اشیاء، تصاویر و مفاهیم آن‌ها می‌شود» (نراقی، نادری، ۱۳۷۷).

پیش‌نیازهای خواندن

برخورداری از توانایی‌هایی چون گوش دادن، ادراک شنیداری (درک و معنی بخشیدن به اطلاعات شنیده شده)، حافظه‌ی شنیداری (به ذهن سپردن موارد شنیده شده)، خوب دیدن، ادراک بینایی (درک و معنی بخشیدن به اطلاعات دیده شده)، حافظه‌ی بینایی (به ذهن سپردن موارد و موضوعات دیده شده)، ترکیب ادراک بینایی و شنیداری (تطبیق علائم نوشتاری با واژه‌های زبان)، هماهنگی حرکات چشم و تعقیب بینایی برای دیدن حروف، کلمات و جملات و جهت آن‌ها، ادراک فضایی مناسب از حروف، کلمات و جملات، سازمان‌دهی زمان برای چه‌گونگی آغاز و پایان متن و نیز تکلم

اختلالات خواندن

نگاهی به مشکلات و راهبردهای بهبود خواندن

ضروری است.

در جریان خواندن، کودک باید بتواند شکل‌های پیچیده و انتزاعی حروف و کلمات را ادراک و شناسایی کند، آن‌ها را به‌خاطر بسپارد و نیز صداهایشان را ادا کند.



مؤلفه‌های خواندن

فرایند تدریس خواندن را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد:

۱. تشخیص کلمه ۲. درک مطلب.

مهارت‌های مربوط به تشخیص کلمه خواننده را قادر می‌سازد از طریق رمزگشایی واژه‌ها و حروف چاپی و تطبیق دادن حروف و واژه‌ها با صدای زبان، کلمه‌ها را تشخیص دهد و راه‌های درک یا تشخیص واژه‌های جدید را یاد بگیرد. منظور از درک مطلب، فهم معنای چیزی است که خواننده می‌شود. دانش آموزان باید واژه‌ها را درک کنند تا آن‌چه را می‌خوانند، بفهمند. اگر دانش‌آموزی بدون درک معنی فقط واژه‌های متن را بخواند، در واقع چیزی نخوانده است.

۱. تشخیص کلمه

اگر خواننده بتواند کلمات را به راحتی تشخیص دهد، قادر خواهد بود بر معنی متمرکز شود. بدون مهارت در تشخیص کلمات، که در واقع سطح پایین‌تر خواندن نامیده می‌شود؛ مهارت‌های عالی‌تر شناختی تشکیل نمی‌شود. در خوانندگانی که باید قسمت اعظم تلاش خود را صرف تشخیص کلمه‌ها کنند، ظرفیت پردازشگری کمی برای درک مطلب باقی می‌ماند.

راهبردهای تشخیص واژه‌ها

آواشناسی: صداهای حروف یا ترکیب حروف نوشتاری انطباق داده می‌شود. رمزگشایی هم‌اصلاحی است که برای ایجاد ارتباط بین صدا (واج) و نماد نوشتاری حرف (نویسه) به کار می‌رود.

کودک‌انی که آموزش آواها را به‌طور مستقیم و نظام‌مند دریافت کرده‌اند، نسبت به کودکانی که چنین آموزشی ندیده‌اند، نمرات پیشرفت خواندن بیشتری کسب کرده‌اند و در مهارت‌های خواندن موفق‌تر بوده‌اند.

واژه‌های دیداری: منظور این است که با دیدن واژه‌ها فوراً و بدون تردید بتوانند آن‌ها را تشخیص دهند. روان‌خواندن مستلزم آن است که بیشتر واژه‌ها در نگاه اول تشخیص داده شوند. اگر بیشتر واژه‌ها در نگاه اول تشخیص داده نشوند یا به زحمت تشخیص داده شوند، خواندن مطالب بی‌نهایت پر زحمت و مایوس‌کننده خواهد بود.

نشانه‌های متنی: نشانه‌هایی است که به دانش‌آموز کمک می‌کند از طریق معنی یا متن جمله یا بندی که واژه در آن قرار دارد، واژه‌ها را

تشخیص دهد. اگر دانش‌آموزان دچار ناتوانی‌ها با خواندن داستان‌ها و کتاب‌ها به تمرین مداوم بپردازند، یاد می‌گیرند از نشانه‌های متنی نیز استفاده کنند. معنی جمله به اضافه صداهای اول کلمه، آن قدر نشانه فراهم می‌کند که خواننده بتواند کلمه را تشخیص دهد.

تحلیل ساختاری: تحلیل ساختاری با تحلیل واحدهای معنی‌دار واژه نظیر پیشوند، پسوند، ریشه‌ی واژه، واژه‌های مرکب و هجاها به تشخیص واژه کمک می‌کند.

ترکیب راهبردهای گفته شده: استفاده از تمامی راهبردهای تشخیص کلمه (آواشناسی، واژه‌های دیداری، نشانه‌های متنی و تحلیل ساختاری) توصیه می‌گردد. زمانی که کلمه‌ای ناآشنا در فرایند خواندن وقفه ایجاد کند، این راهبردها مورد نیاز خواهد بود. دانش‌آموزان دچار ناتوانی‌های یادگیری باید هر یک از این راهبردهای بازشناسی واژه را آن قدر تمرین کنند تا به استقلال و انعطاف‌پذیری در خواندن دست یابند و بتوانند روان و سلیس بخوانند.

۲. درک مطلب

توانایی دریافت معنی از متن چاپی است. بیشتر دانش‌آموزان ناتوان در یادگیری، سرانجام اصول تشخیص و بازشناسی واژه را یاد می‌گیرند اما برای بسیاری از آن‌ها تکالیفی که مستلزم درک پیام‌های پیچیده باشد، همچنان دشوار باقی می‌ماند. باید راهبردهایی را به آن‌ها یاد داد که بتوانند خوانندگانی فعال شوند و متن را درک کنند.

راهبردهای بهبود درک مطلب

استفاده از مجموعه کتاب‌های پایه: مجموعه‌ی کتاب‌ها و مواد کمکی که شامل کتاب‌های طبقه‌بندی شده از خیلی ساده‌ی آمادگی و کلاس اول تا کلاس‌های سطح بالاتر است که به تدریج دشوارتر می‌شود. میزان دشواری کتاب‌ها از نظر واژگان، محتوای داستان و رشد مهارت به تدریج افزایش می‌یابد. کتاب تمرین هم می‌تواند با این مجموعه کتاب‌ها همراه باشد. در اکثر مجموعه کتاب‌های پایه، استفاده از ادغام شیوه‌های گوناگون ایجاد آمادگی، تدریس واژگان، تشخیص واژه، درک و لذت بردن از خواندن به مسئله‌ی آموزش خواندن رویکردی ترکیبی می‌دهد.

فعال کردن دانش پیشین: از طریق روش «تجربه‌ی زبان»، که برپایه‌ی دانش و زبان دانش‌آموز بنا می‌شود و شکل‌های گوناگون یادگیری زبان، گوش دادن، صحبت کردن، خواندن و نوشتن را به یکدیگر پیوند می‌دهد، قابل اجراست. دانش‌آموزان داستان‌هایی را به معلم دیکته می‌کنند (یا خودشان می‌نویسند) و بر پایه‌ی همین داستان‌ها آموزش خواندن صورت می‌گیرد.

در این روش درباره‌ی واژگان، ساخت جمله و محتوای داستان هیچ



چرا اختلالات یادگیری؟

نگاهی به سبب‌شناسی، تمیز و طبقه‌بندی اختلالات یادگیری

سبب‌شناسی اختلالات یادگیری

برخی از علت‌هایی که برای اختلالات یادگیری در نظر گرفته می‌شود، عبارت است از:

۱. عوامل ژنتیکی: برخی معتقدند که وراثت در بروز برخی از اختلالات یادگیری نقش مهمی دارد. نتایج بیشتر پژوهش‌هایی که روی دوقلوهای هم‌سان و غیرهم‌سان انجام گرفته است، نشان می‌دهد که وقوع اختلالات یادگیری در دوقلوهای هم‌سان بیشتر از دوقلوهای ناهم‌سان است. هم‌چنین خطر ابتلا به این اختلال در میان کودکانی که والدین آن‌ها هم اختلال یادگیری داشته‌اند، بیشتر مشاهده شده است. نقش عوامل ارثی در اختلال خواندن، بیشتر از دیگر اختلالات گزارش شده است. برخی از پژوهش‌ها نشان داده که ناتوانی در خواندن، مربوط به ژن‌های کروموزم شماره ۶ و ۱۵ است.

۲. آسیب‌های مغزی: این آسیب‌ها می‌تواند از طریق ضربه، تصادف، سقوط، تب بسیار شدید همراه با تشنج و پس از تولد باشد. آسیب‌های حین تولد نیز مانند کمبود اکسیژن (آنوکسی)، نارسی نوزاد، وزن کم، زایمان سخت و طولانی یا آسیب‌های دوران جنینی مانند ابتلای مادر در دوران بارداری به بیماری عفونی از جمله سرخچه، و عامل RH از جمله این آسیب‌هاست.

۳. عوامل محیطی و آموزشی: نقش محیط در ناتوانی‌های یادگیری همیشه مورد توجه بوده است. تربیت و آموزش ضعیف می‌تواند کودکان را در معرض خطر رشد مشکلات یادگیری قرار دهد. محیط علاوه بر این که مستقیماً بر یادگیری تأثیر می‌گذارد، می‌تواند از طریق ایجاد شرایطی موجب شود که بد کارکردی عصبی با احتمال بیشتری بروز کند و به‌طور غیرمستقیم بر یادگیری تأثیر داشته باشد. شرایط اقتصادی، اجتماعی و ضعف همراه با عواملی چون سوءتغذیه، عدم رعایت مراقبت‌های بهداشتی، بارداری در سنین نوجوانی و مصرف موادمخدر می‌تواند کودکان را در معرض خطر بد کارکردی عصب‌شناختی و در نهایت، ناتوانی‌های یادگیری قرار دهد. انگیزش ضعیف، فقر محرک‌های محیطی، بی‌سوادی

والدین، نظام ارزشی حاکم بر خانواده (اهمیت ندادن به تحصیل)، عدم توجه مربیان به آموزش درست یا استفاده‌ی نادرست از روش‌های آموزشی، عدم آموزش مهارت‌های اجتماعی و حرکتی، تدریس ناکافی و ناصحیح به کودکان، بی‌بهره بودن معلمان از مهارت‌های لازم برای تدریس، برنامه‌ریزی و طرح‌ریزی آموزشی ضعیف، و عدم استفاده از فعالیت‌های برانگیزاننده نیز از جمله عوامل محیطی و آموزشی قلمداد می‌شود.

چه‌گونه اختلالات یادگیری را از دیگر مشکلاتی که منجر به شکست در یادگیری می‌شوند باز شناسیم؟

تشخیص و شناسایی کودکان دارای اختلالات یادگیری از سایر

معیار از پیش تعیین شده‌ای وجود ندارد و معلم از انشاها به جای مطالب خواندنی برای گسترش مهارت‌های خواندن آن‌ها استفاده می‌کند. این رویکردی نیرودهنده، شادی‌بخش، مستقیم و بی‌واسطه است و جوهر خلاقیت را با خود دارد و می‌توان از آن، هم در مرحله‌ی آغازین خواندن برای کودکان خردسال و هم در آموزش اصلاحی دانش‌آموزان بزرگ‌تر استفاده کرد.

معنی دادن به واژه‌ها و مفاهیم: دانش‌واژگانی و توانایی فهم مفاهیم کلمه‌ها ارتباط نزدیکی با پیشرفت خواندن دارد. محدودبودن دانش‌واژگانی به درک مطلب آسیب جدی می‌زند. هرچه واژه‌ها انتزاعی‌تر باشد، فهم مفاهیم نیز دشوارتر می‌شود. مشکلات خواندن در رشته‌های درسی غالباً از واژه‌های دشوار نشئت نمی‌گیرد بلکه به سبب ارائه‌ی زیاد و مترکم در هنگام تدریس مفاهیم است.

گسترش گنجینه‌ی واژگانی: معلمان از طریق ارائه‌ی معانی چندگانه‌ی هر یک از واژه‌ها با مراجعه به فرهنگ لغت، تمرین کامل کردن جمله‌ها و بحث‌های کلاسی، می‌توانند دانش‌آموزان را از معانی گوناگون یک واژه آگاه کنند.

● دانش‌آموزان به تجربه‌های عینی با واژه‌ها نیاز دارند. ابتدا باید تجربه‌های مقدماتی با مفاهیم واقعی برای آنان فراهم شود و سپس آنان را ترغیب و کمک کرد تا به نتیجه‌گیری از تجارب خود بپردازند. در مراحل پیشرفته‌تر معلم می‌تواند مهارت‌های طبقه‌بندی، خلاصه کردن و تعمیم‌دهی آن‌ها را تقویت کند.

● از آن‌جا که خزانه‌ی واژگانی افراد به تدریج طی دوره‌های گوناگون زندگی ساخته می‌شود، دانش‌آموز می‌تواند از طریق تلویزیون، ورزش، روزنامه، اطلاعات‌ها و علوم گوناگون جنبه‌هایی از زندگی را تجربه کند و به واژه‌های جدیدی دست یابد.

شبکه‌های واژه‌ها: راهبردی است که به کمک آن می‌توان واژه‌ها و اطلاعات را به گونه‌ای تنظیم کرد که فهم و یادگیری آن‌ها آسان‌تر شود. شبکه‌ها واژه‌ای، رابطه‌ی یک کلمه را با کلمه‌های دیگر تقویت می‌کند و منجر به درک عمیق دانش‌آموز از مفاهیم مهم می‌شود.

شیوه‌ی بسته: این شیوه برای ایجاد درک و مهارت‌های زبانی بسیار مفید است و براساس ایده‌ی بسته‌ی گشتالت؛ یعنی تمایل به کامل کردن و به صورت کل درآوردن ساختاری نیمه‌تمام از طریق پرکردن جاهای خالی. در متنی که برای پرکردن جای خالی به دانش‌آموز می‌دهید، باید حدود هفت تا ۱۰ کلمه نوشته شود و سپس یک کلمه حذف گردد و در جای خالی آن شکل نقطه‌چین نشان داده شود. دانش‌آموز با توجه به متنی که ابتدا به صورت کامل خوانده است باید بتواند کلمات حذف شده را پیدا کند و بنویسد.

پی‌نوشت

1. Reading disability. Dyslexia.
2. Hyperlexia

منابع

۱. لرنر، ژانت؛ ناتوانی‌های یادگیری (نظریه‌ها، تشخیص و راهبردهای تدریس) مترجم: عصمت دانش، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۴.
۲. نادری، عزت‌الله، سیف نراقی، مریم. اختلالات یادگیری، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۹.
۳. سیف نراقی، مریم، نادری، عزت‌الله، نارسایی‌های ویژه در یادگیری، نشر مکیال، ۱۳۷۹.